

ایران پس از عصر بحران

آیا اقتصاد بقا می‌تواند به اقتصاد تاب‌آور تبدیل شود؟



امیراحمد شیشه‌گر

اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته آموخته است چگونه زیر فشار دوام بیاورد. تحریم، نوسان ارزی، تورم مزمن، محدودیت سرمایه‌گذاری، بحران انرژی، خشک‌سالی و تنش‌های ژئوپلیتیک، هرکدام فشارهایی جدی بر اقتصاد وارد کرده‌اند؛ اما در ایران، بخش بزرگی از اقتصاد و جامعه به‌تدریج سازوکارهایی برای ادامه زندگی در شرایط بی‌ثباتی ایجاد کرده‌اند.
بنگاه‌ها بازارهای جایگزین یافته‌اند، خانوارها الگوی مصرف خود را تغییر داده‌اند و دولت بارها با ابزارهای اضطراری از اختلال شدید در بخش‌هایی از اقتصاد جلوگیری کرده است. در این مقاله می‌توان این وضعیت را «اقتصاد بقا» نامید: اقتصادی که در برابر فشار نمی‌شکند، اما الزاما از فشار نیز قوی‌تر بیرون نمی‌آید.
امروز پرسش مهم‌تر این نیست که آیا اقتصاد ایران می‌تواند شوک بعدی را تحمل کند، پرسش آینده‌پژوهانه این است: آیا می‌توان از مرحله تحمل بحران عبور کرد و اقتصادی ساخت که نه‌فقط شوک را جذب کند، بلکه پس از آن بازسازی شود، خود را تطبیق دهد و مسیر رشد تازه‌ای بسازد؟

تفاوت بقا و تاب‌آوری

در ادبیات اقتصادی، تاب‌آوری صرفا به معنای مقاومت نیست. OECD تاب‌آوری اقتصادی را با توانایی اقتصاد برای تحمل شوک‌ها، کاهش آسیب‌پذیری و بازیابی پس از آنها مرتبط می‌داند. بنابراین میان «دوام‌آوردن» و «تاب‌آوردن» فاصله‌ای اساسی وجود دارد. اقتصاد بقا معمولا کوتاه‌مدت فکر می‌کند. هدف آن تأمین ارز امروز، برق تابستان، جبران کسری بودجه امسال، کنترل قیمت این ماه یا حفظ تولید این فصل است. این اقدامات در شرایط اضطراری ضروری‌اند، اما اگر به شیوه دائمی اداره اقتصاد تبدیل شوند، هزینه‌ای پنهان ایجاد می‌کنند: آینده برای حل امروز مصرف می‌شود. استهلاک زیرساخت، کاهش سرمایه‌گذاری، خروج سرمایه انسانی، فرسایش اعتماد، فشار بر منابع طبیعی و افزایش عدم‌قطعیت ممکن است در کوتاه‌مدت در آمار «دوام‌آوردن» دیده نشوند، اما ظرفیت اقتصاد برای مواجهه با شوک بعدی را کاهش می‌دهند. نشانه‌های هشدار نیز جدی‌اند. صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین داده‌های ۲۰۲۶ خود برای ایران، رشد اقتصادی منفی و تورم بسیار بالا را پیش‌بینی می‌کند. بانک جهانی نیز در ارزیابی‌های خود، تحریم‌ها، کمبود آب و انرژی و محدودیت سرمایه‌گذاری را از موانع رشد اقتصاد ایران دانسته است.

مسئله بنابراین فقط عبور از یک بحران نیست؛ خطر اصلی تبدیل‌شدن وضعیت اضطراری به وضعیت عادی است.

سه آینده برای اقتصاد ایران

از منظر آینده‌پژوهی می‌توان دست‌کم سه مسیر متفاوت را برای دهه پیش‌رو تصور کرد.

سناریوی اول: تداوم اقتصاد بقا

در این مسیر، هر بحران با پاسخی کوتاه‌مدت مدیریت می‌شود؛ کسری با منابع جدید، انرژی با محدودیت مصرف، ارز با مداخله، آب با انزقز و تولید با حمایت‌های مقطعی. اقتصاد از بحران عبور می‌کند، اما به‌رودری پایین‌تر، سرمایه‌گذاری ضعیف‌تر و هزینه سازگاری بیشتر می‌شود. کشور دوام می‌آورد، اما فاصله آن با اقتصادهای در حال تحول افزایش می‌یابد.

سناریوی دوم: اقتصاد تاب‌آور

در این آینده، هدف سیاست‌گذار فقط کاهش اثر شوک نیست؛ بلکه کاهش آسیب‌پذیری پیش از وقوع شوک است. تنوع‌بخشی به منابع انرژی، اصلاح تدریجی نظام مالی، تقویت بنگاه‌های رقابت‌پذیر، افزایش امنیت سرمایه‌گذاری، مدیریت پایدار آب، توسعه زیرساخت دیجیتال و سرمایه‌گذاری در مهارت‌های آینده، جایگزین بخشی از مداخلات اضطراری می‌شوند. در چنین اقتصادی، انعطاف‌پذیری مهم‌تر از کنترل کامل است. شبکه انرژی باید بتواند شوک را جذب کند؛ زنجیره تأمین باید مسیر جایگزین داشته باشد؛ بنگاه باید امکان تغییر بازار داشته باشد و نیروی کار بتواند مهارت خود را با فناوری‌های جدید تطبیق دهد.

سناریوی سوم: اقتصاد تحول‌گرا

اما آینده‌ای فراتر از تاب‌آوری نیز قابل تصور است. در این سناریو، بحران فقط تهدید نیست؛ پنجره‌ای برای بازطراحی اقتصاد است. کمبود انرژی می‌تواند محرک افزایش بهره‌وری و توسعه انرژی‌های نو شود. بحران آب می‌تواند الگوی استقرار صنعت و کشاورزی را تغییر دهد. محدودیت دسترسی به فناوری می‌تواند سیاست توسعه فناوری را هدمفمندتر کند و هوش مصنوعی می‌تواند به‌جای آنکه صرفا

تهدیدی برای اشتغال تلقی شود، به ابزاری برای افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها و دولت تبدیل شود.

دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵
۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
۷ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۶۸
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

سفر فرستادگان ترامپ به اوکراین • ایران پس‌اجنگ • انگیزه ویسی برای کسب پیروزی • تأملی در باب نوآوری و محدودیت در ژئواکونومی

روایت «شرق» از نشست فصلی شورای حکام و تلاش واشینگتن و تروئیکای اروپا برای کشاندن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت

از شورای حکام تا شورای امنیت؟

گزارش تیتربیک را در صفحه ۲ بخوانید



«شرق» از پیچیده‌ترشدن شرایط تحریمی و ارسال محموله‌های نفتی ایران به چین گزارش می‌دهد

دورنمای مبهم صادرات نفت

یادداشت

این بار بنزین؛ پرده دوم جراحی اقتصادی



ابوالفضل گرامی‌ای

سازوکار بلعیدن رانت در صنعت پتروشیمی خصوصی‌شده از منطق ساده‌ای پیروی می‌کند. دولت گاز را با قیمتی پایین‌تر از ارزش صادراتی آن (مطابق فرمول میانگین‌گیری قیمت جهانی و داخلی قانون الحاق ۲) تحویل آنها می‌دهد و علاوه بر این تخفیف‌های قانونی دیگری نیز - ۳۰ درصد- برای آنها در نظر گرفته می‌شود. اما آن سوی زنجیره، محصول پتروشیمی در بورس کالا با فرمولی نزدیک به قیمت جهانی معامله می‌شود و محصول صادراتی هم در بازار جهانی قیمت ارزی خود را پیدا می‌کند. یعنی امتیاز در ابتدای زنجیره است، اما قیمت‌گذاری محصول در انتهای زنجیره جهانی شکل می‌گیرد؛ و فاصله این دو، بخشی از حاشیه سود کلانی است که از جیب مصرف‌کننده داخلی کالای پتروشیمی (به‌طور مستقیم) یا از جیب عموم مردم (به واسطه جهش‌های ارزی) به نفع یک بنگاه خصوصی مصادره می‌شود. مسلم است که در این فرایند، پتروشیمی حاضر نمی‌شود ارز خود را به قیمت‌های پیش از جهش ارزی معامله کند و از سودی هنگفت بی‌نصیب بماند. بنابراین دولت‌ها وارد می‌شوند و با بهانه «جراحی اقتصادی» یا «جلوگیری از قحطی» به تسهیل گران‌سازی ارز آنها می‌پردازند. کاهش قدرت خرید یک میلیون تومانی کالابرگ در دی ۱۴۰۴ از ۵۱۴ هزار تومان در شهریور ۱۴۰۵ - با در نظر گرفتن تورم‌های ماهانه- تمام توجیه‌های عدالت‌خواهانه را بوج می‌کند.

سیاست دوم: سناریوهای بنزینی

سناریوی اختصاص سهمیه بنزین به کلی افراد و کشف قیمت در بازار نیز همان منطق کاذب را دنبال می‌کند. تخصیص سهمیه، فروش آن در سقف قیمتی توسط خانوارها و واریز یک مبلغ ریالی به حساب سرپرستان خانوار دقیقا همان سازوکار فریبنده قبلی است. در گام اول سیاست آزادسازی قیمتی اجرا می‌شود و درگام دوم بخشی از درآمد حاصل به مردم بازگردانده می‌شود تا شوک قیمتی قابل تحمل‌تر شود. اگرچه هر دو سیاست با «حرافی‌های عدالت‌خواهانه» آراسته شده‌اند، ولی این بار به‌جای «ناترازی ارزی»، بهانه اجرای سیاست «ناترازی بنزینی» است. در حالی که شواهد آماری نشان می‌دهد تقاضای بنزین در ایران حساسیت ناچیزی نسبت به قیمت آن دارد. قرار است افزایش قیمت بنزین موجب کاهش تقاضا شود. مشابه طرح قبلی در اینجا نیز باید پرسید پول ایجادشده از افزایش قیمت دقیقا به کجا می‌رود؟ بنزین

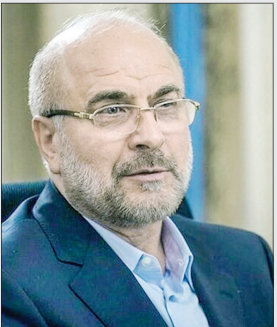
یک محصول پالایشگاهی است و اگر افزایش قیمت مصرف‌کننده در قیمت تسویه فرآورده با پالایشگاه منعکس شود، افزایش قیمت بنزین به افزایش درآمد و حاشیه سود پالایشگاه‌ها منجر می‌شود. دولت افزایش قیمت را با عنوان «اصلاح قیمت» یا «پرداخت مستقیم به مردم» توجیه می‌کند؛ درحالی‌که باید هم‌زمان محاسبه کرد



قابلیاف خواستار بررسی تخصصی طرح مقابله با نفوذ بیگانگان شد

ارجاع طرح مقابله با نفوذ

به کمیسیون قضائی



برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از درگیری دریایی تهران و واشینگتن

نفتکش‌ها زیر آتش ناوهای آمریکایی در تیررس

خداداد عزیزی بار دیگر در فوتبال ایران جنجال آفرید

مصونیت حماسه‌ساز ملبورن؟

روایت کودکان و والدینی که پس از جدایی بین دادگاه، کلاتری و دو خانه سرگردان هستند

جنگ حضانت

گفت‌وگوی «شرق» با حسن هانی زاده درباره تحولات سوریه

از بازسازی تا خطر تجزیه و کودتا

نگاه

هوش مصنوعی گرایش سیاسی دارد؟

یادداشتی از پویا نعمت‌الهی

یادداشت

برای «رسانه آزاد»



احسان هوشمند

مرجعیت رسانه‌ای یکی از مباحث امروز حوزه عمومی در ایران است. به میزانی که رسانه‌های داخلی بتوانند در جذب مخاطب ایرانی و فراتر از آن موفق شوند و اعتماد بیشتری به رسانه داخلی ایجاد شود، می‌توان به کارکردهای مثبت رسانه‌های داخلی امیدوارتر بود. به باری فناوری‌های امروزی و شبکه‌های اجتماعی ظرفیت‌های خارق‌العاده‌ای هم ایجاد شده تا مطابق با سلیقه‌ها و خواسته‌ها و انتظارات افشار مختلف بتوان به تولید و انتشار محتوای درخور پرداخت.

باز گشت همه به سوی اوست

یار دیرین و دوست ارزشمندما، شاعر و نویسنده بزرگ گفت. در فقدان او همدرد و همدل همسرش ناستین، فرزنداناش پویک و حسین و تمامی اهالی فرهنگ و هنر ایران زمین هستیم. میراث پرپرا ادبی و هنری نویسنده را ارج می‌نهیم و با خوانش آثارش یاد او را تا همیشه زنده می‌داریم.

محمود دولت آبادی، کورش شیشه‌گران، بهزاد شیشه‌گران خسرو پارسا، حمید نائینی، نگار اسکندر فرد، غلام‌رضا شهبیاری عبدالرحمان نجل‌رحیم، امیر حسن چهل‌تن، شمس لنگرودی حافظ موسوی، پوریا سوری، نیما راد، فیما گلرویی، پوریا عالمی اسماعیل حق‌پرست، امیر محمد قاسمی‌زاده، فرشید پارسی کیا مظفره قائمی، علی بهبهانی، منیره حکمت، حسین کنجی احمد جلیلی، احمد محیط، احترام برومند، مر ضیه بر ومند محمد حسینی، پژمان موسوی، فرزانه کر مهور، حجت‌الله شکیبا حسن لطفی، محمد مجابی، مجید مجابی، رضا سرور، بهار مجابی سپیده نوروزی، شمس‌ی مجابی، مرتضی بمانی، سمیه شیخ‌زاده سیدعلی صالحی، امید طاری فرد، ندا عابد، هومن حسینی کاوه فولادی‌نسب، مریم کهنسال نودهی، بلدا گلرویی علی مسعودی‌نیا، مهسا محبعلی، امیر حسین سجادیه و سید جواد میرهاشمی